

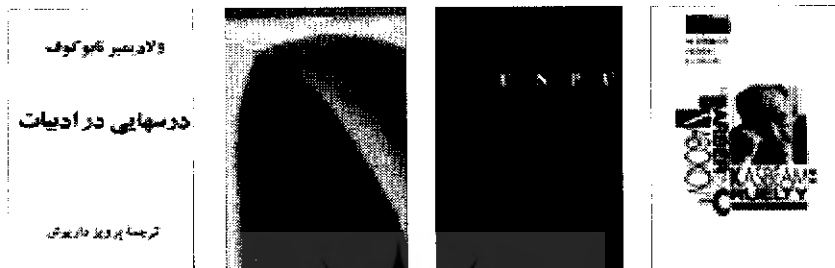
سالشمار زندگی ولادیمیر ناباکوف* ترجمه ناهید طباطبایی

۱۷ ۱۸۹۹: ناباکوف در ۲۳ آوریل در سن پترزبورگ، خانه‌ی شماره ۴۱ خیابان «مورسکایا»، در یک خانواده‌ی قدیمی اشرافی به دنیا آمد. پدر او ولادیمیر دمیتروویچ ناباکوف، حقوق‌دانی آزاداندیش و دوستدار انگلیس بود. او مخالف تزار و یکی از پایه‌گذاران حزب مشروطه‌ی دموکراتیک بود که به انحلال آن اعتراض کرد و در سال ۱۹۰۶ به زندان افتاد. سپس او یکی از نویسندگان نشریه‌ی آزادیخواه رچ^۱ شد. و در سال ۱۹۱۷ در دولت موقت کرنسکی^۲ شرکت داشت. مادر او «النا ایوانونا روکاویشنیکف»^۳ نام داشت.

۱۹۰۰: تولد «سرگنی» اولین برادر ناباکوف. او در ژانویه ۱۹۴۵ در اردوگاه کار اجباری نازی‌ها می‌میرد. همان‌طور که ناباکوف در نامه‌ای به «ادموند ویلسون»^۴ می‌نویسد، این خبر عمیقاً او را دگرگون می‌کند.

۱۹۰۱: النا ناباکوف دو پسر جوانش را به فرانسه، به منطقه «پو»، ملک برادرش «واسیلی»، دایی روکامی برد. این دایی جهان‌وطنی

است که می‌تواند به دوزبانی مخلوط از فرانسه، انگلیسی و ایتالیایی صحبت کند. (سواحل دیگر) او هنگام مرگش در سال ۱۹۱۶، ثروت عظیمی برای ولادیمیر ناباکوف به ارث می‌گذارد که هیچ وقت از آن بهره‌ای نبرد. درباره‌ی این ثروت ناباکوف در خاطراتش می‌نویسد: «برای مهاجری که از سرخها متنفر است... چون آنها ثروت و زمینش را غصب کرده‌اند چیزی جز تحقیر محض احساس نمی‌کنم. غم غربتی که همه‌ی این سالها مرا



عمیقاً به خود مشغول کرده، احساس روزافزونی است که چگونه کودکی را از دست داده‌ام، نه اسکناس‌هایم را»

۱۹۰۲: حضور اولین مربی انگلیسی به نام «دوشیزه راشل هوم» در کنار او.

۱۹۰۳: تولد اولین خواهر ناباکوف به نام «اولگا» ناباکوف در کتاب سواحل دیگر به اولین خاطرات کودکی اش در ملک «وایرا» اشاره می‌کند. «وایرا» یکی از سه محلی است که ناباکوف‌ها تابستان را در آن می‌گذرانند. دو ملک دیگر «باتوو» و «رودستونو» هستند.

۱۹۰۵: ورود «مادمازل» معلم سوئیسی متولد «لوزان» که تا سال ۱۹۱۲ در خانه‌ی ناباکوف‌ها می‌ماند.

۱۹۰۶: تولد دومین خواهر او «النا»

۱۹۱۱: تولد دومین برادر او «کی ریل» که در سال ۱۹۶۴ در مونیخ درمی‌گذرد.

۱۹۱۴: ناباکوف به پروانه‌ها علاقه‌ی خاصی نشان می‌دهد و آثاری را که مربوط به پروانه‌سانان می‌شود، از ده سالگی مطالعه می‌کند و اولین شعر خود را می‌سراید.

۱۹۱۶: جزوه‌ای شامل شصت و هفت شعر او در مجموعه آثار نویسندگان پترزبورگ به چاپ می‌رسد.

۱۹۱۷: پدر او به مجلس راه می‌یابد. سپس در اواخر سال ۱۹۱۷ به «کریمه» در نزدیکی «یالتا» پناه می‌برد.

۱۹۱۹: در ماه مارس به سوی قسطنطنیه حرکت می‌کند و سپس لندن را به عنوان تبعیدگاه خود برمی‌گزیند. زمانی که خانواده‌ی ناباکوف سرانجام در برلین اقامت می‌کنند، ولادیمیر و برادرش سرگئی ناباکوف در دانشگاه کمبریج (به گفته ولادیمیر، ترینیتی کالج) مشغول تحصیل می‌شوند.

۱۹۱۹-۱۹۲۲: پدرش مجله‌ای برای مهاجران به نام رول منتشر می‌کند. ناباکوف برای این که آثار خود را از نوشته‌های سیاسی پدرش متمایز کند، اولین آثار منشور و نیز ترجمه‌های شعرهای فرانسوی و انگلیسی را با نام مستعار «سیرین»^۹ به چاپ می‌رساند.

۱۹۲۲: پدر ناباکوف در یک میتینگ سیاسی که به حمایت از «میلیوف» برگزار شده، توسط دو تروریست راست افراطی به قتل می‌رسد.

۱۹۲۳: ناباکوف که تحصیلاتش را در کمبریج به پایان رسانده، در برلین مقیم می‌شود و به تدریس انگلیسی، فرانسه و تئیس می‌پردازد. در این سال او ترجمه‌ای به روسی از آلیس در سرزمین عجایب اثر «لوئیس کارول»^{۱۰} را به چاپ می‌رساند.

۱۹۲۵: او با «ورا اوسنا اسلونیم»^{۱۱} ازدواج می‌کند. از این پس او تمام کتابهایش را به ورا تقدیم خواهد کرد.

۱۹۲۶: چاپ ماشنکا^{۲۳} اولین رمان روسی نویسنده.

۱۹۲۸: انتشار شاه، بی بی، سرباز^{۲۴}.

۱۹۳۰: انتشار دفاع لوژین^{۲۵}. انتشار مجموعه‌ای از داستانها و شعرها و سپس انتشار چشم^{۱۵}.

۱۹۳۲: انتشار فخر^{۱۶}.

۲۰

۱۹۳۳: انتشار تاریک خانه^{۱۷}.

۱۹۳۴: تولد یگانه پسرش «دیمیتری» که در حالی که به کار خود به عنوان خواننده‌ی اپرا ادامه می‌دهد، تعداد زیادی از آثار روسی پدرش را به انگلیسی ترجمه می‌کند.

۱۹۳۶: انتشار نو میدی^{۱۸}، دعوت به مراسم گردن زنی^{۱۹}، (که به صورت پاورقی چاپ می‌شد، در سال ۱۹۳۸ به صورت مجلد انتشار یافت).

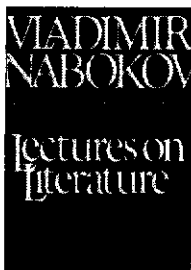
۱۹۳۷: به دلیل خطر نازیسم و نیز اصلیت یهودی همسرش به قصد پناهندگی به پاریس می‌رود. با نشریه‌ی NRF همکاری می‌کند. پل هان و جویس را ملاقات می‌کند که نتیجه‌اش مجله‌ای می‌شود درباره‌ی «پل هان» و «جویس» و در همان شماره تحقیقی درباره‌ی پوشکین را به زبان فرانسه به چاپ می‌رساند.

۱۹۳۸: نگارش دو نمایشنامه که به زبان روسی در فرانسه اجرا می‌شوند: واقعه^{۲۰} و اختراع والس^{۲۱}.

۱۹۳۹: چاپ تنها متنی که به زبان فرانسه نوشته است به نام: مادمازل^{۲۲}.

۱۹۴۰: خانواده ناباکوف با کشتی «شامپلن» به طرف آمریکا حرکت می‌کند. او در موزه‌ی تاریخ طبیعی نیویورک به مطالعه‌ی پروانه سانان می‌پردازد. از سال ۱۹۲۰ که اولین مقاله‌ی

علمی خود را درباره‌ی پروانه‌ها به زبان انگلیسی در مجله‌ی انثومولوژیست به چاپ رساند، ناباکوف علاقه‌ی خود به این علم، که آن را با کمال میل به نوعی هنر می‌آمیخت، ترک نمی‌گوید. آشنایی با «ادموند ویلسون» که ناباکوف را به نیویورک معرفی کرد، از این دوستی ادیبانه در مکاتبات ناباکوف - ویلسن منتشر شده در سال ۱۹۷۸ در آمریکا ذکری به میان آمده است.



۱۹۴۱: انتشار اولین رمان انگلیسی او: زندگی واقعی سیاستین نایت^{۳۳}. این رمان سه سال بیشتر در پاریس نوشته شده بود.

۱۹۴۲: به عنوان محقق در موزه‌ی جانورشناسی تطبیقی هاروارد منصوب می‌شود. و سه روز در هفته در کالج «ولزلی» به تدریس ادبیات روسی می‌پردازد.

۱۹۴۴: جزوه‌ای درباره‌ی زندگی «گوگول» منتشر می‌کند.

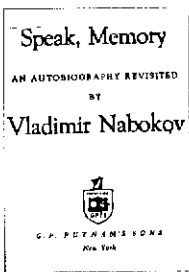
۱۹۴۵: ناباکوف تبعه‌ی امریکا می‌شود.

۱۹۴۶: انتشار بندسینستر^{۳۴}.

۱۹۴۸: عنوان استادی ادبیات روسی و اروپایی را در دانشگاه «کرنل» در «ایتاکا» واقع در ایالت نیویورک، کسب می‌کند.

۱۹۵۱: چاپ شهادت قطعی ۲۵.

۱۹۵۵: چهار ناشر آمریکایی دست نویس انگلیسی رمان لولیتا ۲۵ را در می کنند و این کتاب برای نخستین بار در پاریس توسط انتشارات «آلمپیا ۲۷» در سال ۱۹۵۵ به چاپ می رسد. موانع متعددی برای فروش آن به وجود می آید. «گراهام گرین» مقاله ای پرسروصدا در تأیید آن



۲۲

می نویسد. در ۱۹۵۷، خلاصه ای از لولیتا همراه یادداشتی از ناباکوف در مجله ی آنکور ریویو درج می شود. در سال ۱۹۵۸ سرانجام انتشارات بوتنام آن را چاپ می کند. این رمان به سرعت عنوان پرفروشترین کتاب را بدست می آورد. «کوبریک ۲۸» براساس آن فیلمی می سازد.

۱۹۵۷: انتشار کتاب پنین ۲۹.

۱۹۶۰: استقرار در هتل «پالاس دو مونتره» در سوئیس «خواهران او در ژنو زندگی می کنند و پسرش در میان درس، آواز می خواند.»

۱۹۶۲: انتشار آتش رنگ باخته ۳۰. عکس ناباکوف بر روی مجله ی نیوزویک به مناسبت ساختن فیلم «لولیتا» توسط «کوبریک» به چاپ می رسد.

۱۹۶۴: «موسسه بولیگن» چهار جلد ترجمه ی انگلیسی او از اوزن اونگین ۳ پوشکین را به همراه تفسیرهای مفصل او به چاپ می رساند. مشاجرات قلمی معروف او در مورد این ترجمه با «ادموند ویلسن» آغاز می شود.



CHAPTER I
1781

Almost thirty years ago, Miss Maria Ward, of Huntington, with only 2000000 pounds, had the good luck to capture the eye of Thomas Bessons, of Mansfield Park, in the county of Northampton, and to be thereby raised to the rank of a baronet's lady, with all the dignities and consequences of an honorable house and large fortune. All Huntington exclaimed on the greatness of the match, and her uncle, the lawyer, begged her to be at least three thousand pounds short of any possible claim to it. She had two sons to be benefited by her fortune, and she had a daughter to be provided for. Miss Ward and Miss Francis spent all their time in Miss Maria's house, and were never seen without her, and she was always ready to make them their money with almost equal advantage. Her three children are not at all such a large fortune in the world, as they are generally supposed to be. Miss Ward, at the end of half a dozen years, found herself obliged to be attached to the Rev. Mr. Norris, a friend of her brother-in-law, with scarcely any private fortune, and Miss Francis lived at home. Miss Ward's match, indeed, when it came to the point, was not so respectable as Thomas being largely able to give her three thousand pounds in the county of Mansfield, and Mr. and Mrs. Norris had a large fortune, and they were very little less than a thousand pounds. By Miss Francis married in the common way, to a gentleman of a family, and by being on a Commission of the Peace, without otherwise having a connection with any of the great families of the country.

CHAPTER II
1782

۱۹۶۶: حرف بز، حافظه^{۳۲} را به چاپ می‌رساند. که روایت جدید و افزون شده ی اثری است به نام سواحل دیگر که در سال ۱۹۵۱ به فرانسه ترجمه شده است.

۱۹۶۷: انتشار اولین آثار مهم او در نقد «Escape into aesthetics»، در مورد آثار پگ ستینر^{۳۳} و «زندگی او در هنر^{۳۴}» درباره «اندروفیلد^{۳۵}».

۱۹۶۹: چاپ یک شاهکار: آدا. مجله تایم روی جلد خود را به ناباکوف اختصاص می‌دهد و می‌نویسد «یک داستان خوب و زنده در آنتی ترا».

۱۹۷۳: چاپ مجموعه‌ای به نام زیبای روسی^{۳۶} داستانی روسی که نویسنده به انگلیسی ترجمه کرده. چاپ نظرات تند^{۳۷} که شامل مصاحبه‌های او است.

۱۹۷۴: چاپ سناریوی لولیتا که به خواست کوبریک نوشته بود، اما او از آن استفاده نکرد. چاپ آخرین رمان او دلگک‌ها را ببین!^{۳۸}

۱۹۷۵: چاپ قتل عام مستبدان^{۳۹} مجموعه داستانهای روسی.

۱۹۷۶: چاپ جزئیات یک غروب^{۴۰} مجموعه داستانهای روسی.

۱۹۷۷: ناباکوف در ۲ ژوئیه در مونتر و زندگی را وداع می‌گوید. او در «کلارنس^{۴۱}» به خاک سپرده می‌شود. ♦ ♦ ♦

*Chronologie. Gilles Barbedette, Magazine Litteraire, no 233 / sep 1986

1. Retch

2. Kerenski

3. Elena Ivanovna Roukavichnikov

4. Edmond Wilson

5. Vyra

6. Batova

7. Rajpestveno
8. Roui
9. Sirine
10. Lewis Carroll
11. Vera Evseevna Slonim
12. Machenka
13. Roi, Dame, Valet
14. La defense Loujine
15. Geuetteur
16. L'exploit
17. Chambre obscure
18. Despair
19. Invitation du supplice
20. L'uniment
21. L'invention dela valse
22. Mademoiselle O
23. La vraie wie de sebastian Knight
24. Bend sinister (Brisure a' senestre)
25. conclusive audenc.
26. Lolita
27. olympia
28. Stanly Kubrick
29. Pnin
30. Feu Pale
31. Eugene oneguine
32. Speak, Memory
33. Page stegner
34. His life in Art
35. Andrew Field
36. Une beaut Russe
37. Strong opinions
38. Regarde, regarde les arlequins
39. L'extermination des Tyrans
40. D'etails d'un soleil couchant
41. Clarens



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني

